

چشم اسفند یار معماری منظر در تهران



سید امیر منصوری،
استادیار دانشکده معماری،
پردیس هنرهای زیبا،
دانشگاه تهران
amansoor@ut.ac.ir

● در کنار حجم عظیم پروژه‌های عمرانی تهران، طرح‌هایی نیز اجرا می‌شود که اگر از دورتر به آنها بنگریم، می‌توانند اقدامات مهمی در ارتقای کیفیت شهر باشند. اما به دلایل زیاد، علی‌رغم این توانایی‌ها تأثیر عمده‌ای در کیفیت محسوس شهر و داوری شهروندان از آن برجای نمی‌گذارند. در ارزیابی مجله از طرح‌های معماری منظر، که در تهران به اجرا در آمده‌اند، و کشف دلایل تأثیر کم آنها در کیفیت فضای شهر یک نکته عنصر مشترک بررسی‌ها بود: کم‌اهمیت انگاشتن بعد تخصصی طرح‌ها.

به نظر می‌رسد شیوه تکیه بر کارها و پروژه‌های عظیم، سندرومی است که حتی طرح‌هایی که ذات آنها کیفی است را نیز تحت تأثیر قرار داده است. تعداد، اندازه و سرعت اجرای طرح‌ها بر هر معیار دیگر پیشی گرفته است. ارزیابی طرح‌ها و مشکلات آنها حاکی از آن است که در فرایند تعریف طرح‌ها تا بررسی بازخوردهای آن، نگاه تخصصی سهم ناچیزی داشته است.

برخلاف تصور رایج، طرح‌های عمرانی ممکن است به دلیل انتخاب نادرست، به جای آبادانی، شهر را تخریب کنند. جز این، به دلیل حاکمیت متخصصان در اجرای طرح‌ها و عدم امکان دخالت مدیران در مرحله اجرایی، معمولاً پروژه عمرانی به نتایج پیش‌بینی شده خود دست می‌یابد. در مقابل پروژه‌های معماری منظر، در همه مراحل خود نیازمند حضور قاطعانه متخصصان است تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنند. تکنولوژیک نبودن و صورت ساده و عادی فضای مطلوب زندگی در طرح‌های منظر شهری موجب می‌شود تا بعد تخصصی آن به سادگی دچار فراموشی گردد؛ مدیریت شهری کمی اقتدارگرا و بی‌نیاز از متخصصان تصور خواهد کرد با تعریف پروژه، حتماً کیفیت مطلوب هم حاصل خواهد شد.

قیاس نادرست میان فرایند پروژه عمرانی با طرح معماری منظر، مدیریت شهری را به اشتباهی بزرگ دچار می‌سازد. «تعریف»، «طرح و اجرا» و «کارکرد» ۳ مرحله اصلی در ارزیابی هر پروژه شهری هستند. در طرح‌های عمرانی، به دلیل اصالت جنبه‌های تکنیکی، مرحله ۲ در اختیار کارشناسان است. مرحله ۳ نیز به دلیل اصالت کارکرد مکانیکی طرح امری کمی و قابل پیش‌بینی است. در نتیجه چنانچه پروژه عمرانی در مرحله تعریف دچار انحراف نشود سایر مراحل آن با مکانیسم‌های رایج قابل هدایت و نتیجه‌گیری خواهد بود. این موضوع در طرح‌های معماری منظر حکم دیگری دارد. تصور ساده از طرح به مدیریت شهری شهامتی می‌بخشد که یک تنه به تعریف پروژه و هدایت طرح و اجرای آن می‌پردازد. این تهور بدان علت است که جنبه‌های تکنیکی در طرح‌های معماری منظر اصالت ندارد و بعد نرم‌افزاری آن مهم است. در نتیجه برای مدیریت شهری رشدنیافته این توهم پیش می‌آید که تشخیص و سلیقه او برای تعریف و هدایت طرح کفایت می‌کند. معمولاً مدیریت شهری خودمختار موفقیت طرح‌های منظر شهری را با توجه به ابعاد سخت‌افزاری و معیارهای پروژه‌های عمرانی ارزیابی می‌کند؛ و کمتر سراغ مولفه‌های سنجش منظر در سه زمینه زیباشناسانه، هویتی و کارکردی می‌رود.

این شماره از مجله منظر با بررسی ۶ طرح بزرگ تهران، در ۶ گونه متفاوت تلاش کرده تا وظیفه خود را به عنوان مرجع تخصصی ارزیابی و نقد پروژه‌های شهری ایفا کند. در یک مقاله نیز روند تعریف و اجرای طرح و در مقاله دیگر یک نمونه کوچک و کم‌خرج اما مؤثر مداخله در محیط زندگی را بررسی کرده است. در همه نمونه‌ها اگر چه توجه مدیریت شهری به پروژه‌های منظر ستوده است اما به دلیل فقدان اصالت نگاه تخصصی و حاکمیت سلیقه مدیریت‌های مختلف شهر در آنها، نتایج در حد انتظار و انرژی و پول صرف شده برای آنها نبوده است. به نظر می‌رسد نقطه ضعف مدیریت شهری تهران در پروژه‌های معماری منظر سپردن نقش دوم به متخصصان باشد. راهبردی که از جمع‌بندی مطالعات این شماره حاصل می‌شود آن است که شرط موفقیت در ارتقای کیفیت محیط زندگی از طریق طرح‌های معماری منظر، تکیه بر دانش و تخصص است که در همه مراحل طرح از تعریف پروژه تا ثبت بازخوردهای آن را در برگیرد. صرف اختصاص اعتبارات کلان به طرح‌های معماری منظر ضامن به دست آمدن کیفیت مورد نظر در محیط شهری نیست.

Achilles Heel of Landscape Architecture in Tehran

Seyed Amir Mansouri, Ph.D in Urban Studies with Landscape Proficiency, Assistant Professor, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Iran.
amansoori@ut.ac.ir

Despite the massive constructions in Tehran, a number of projects are implemented which are in the interest of city quality. However, they do not leave a major qualitative impact on the city and citizens' judgments due to multiple reasons. According to an assessment done by the magazine, the common reason why these projects are less valued in enhancing the quality of the city is the lack of professional aspects in these projects.

It seems the way of focusing on tasks and projects, is rather a syndrome even affecting qualitative projects. The number, size and speed of the project implementation have surpassed all other criteria. Evaluation of projects and their born problems indicate that technical aspects are neglected in the process of defining plans and reviewing their feedbacks.

In contrast to common perception, development projects may destroy the city rather than remediating them due to incorrect decisions. On the other hand, constructional projects will lead to anticipated outcomes as a result of professional supervision and improbability of managers' interventions in implementations. In contrast, landscape architecture projects require professionalism at all stages to obtain the desired results. Plain and ordinary non-technical favorable living space in urban landscape design makes it easy to neglect specialized aspects: less authoritarian and needless urban management specialists will assume that the quality will be achieved by defining the project.

False analogy between the development process of constructional projects and landscape design conducts urban management to make a big mistake. "Definition," "design and implementation" and "function" are three major steps in assessment of any urban project. In constructional projects, the second stage is carried out by professionals due to the originality of technical aspects. Step 3 is also quantitative and predictable as a result of originality of the design in mechanical functions.

This process differs in landscape architecture designs. The simple concept of urban management plan stimulates urban management to define and conduct the project to its thorough implementation. This impetuosity is the outcome of unoriginality of technical and software requirements aspects. Hence, urban immature management will assume that their tastes will suffice in defining and leading a project. Usually, the success of autonomous urban landscape designs is measured by hardware aspects and criteria in order to assess projects and three components of aesthetic identity and function are less valued.

This volume of MANZAR Journal discusses six major projects in six different styles in order to play his role as a professional reference of assessment and criticism of urban projects. In one article the process of definition and implementation of a design and in another one a small low-cost but effective case study in influencing the living environment is discussed. Although consideration of landscape projects by urban management is commendable in all cases, lack of authenticity at the various technical aspects and governance of management taste in each of them have resulted to unexpected outcomes regarding the spent energy and expenditures. It seems the blind spot of Tehran urban management in landscape architecture projects is ignoring the role of professionals.

The strategy derived from all these studies indicates that success of qualitative enhancement in living spaces is dependent on landscape designs, knowledge and professionalism through all stages of design, implementation and feed-back assessment. Sheer Allocation of substantial funds to landscape architecture projects can not guarantee obtaining the desired quality of the urban environment by itself.